اشکال مرحوم بروجردی بر مرحوم آخوند:

مرحوم بروجردی –مطابق با آنچه حضرت امام از ایشان تقریر کرده است– در اشکال بر فرمایش مرحوم آخوند می‌نویسد:

«و فیه أوّلًا: أنّ إرجاع النهی إلی طلب الترک خلاف التحقیق، کما عرفت مفصّلًا من أنّ النهی عبارة عن الزجر عن الفعل، لا طلب الترک.

و ثانیاً: لو سُلّم أنّ النهی عبارة عن طلب الترک، لکن إرجاعه إلی طلب ترک عنوان آخر– منطبق علیه أو ملازم له– خلاف ظواهر الأدلّة الناهیة عن الصوم یوم عاشوراء، أو الصلاة فی زمان کذا.

و ثالثا: لا داعی إلی تصویر عنوانٍ أرجح منطبق أو لازم؛ لجواز کون نفس الترک له رجحان، کما أنّ للفعل رجحاناً، و یکون الترک أرجح من الفعل، و معلوم أنّ رجحان الفعل و الترک غیر کون الفعل ذا مصلحة و مفسدة مع کون المفسدة أرجح، حتّی یقال: إنّ هذا ینافی صحّة الفعل؛ فإنّ الفعل إذا کان فیه مصلحة خالصة، و الترک کان فیه مفسدة خالصة، فمع تساویهما یکون المکلّف مخیّراً بینهما، و مع أرجحیّة الترک یصیر الزجر مقدّماً، و لکن لو أتی به یکون صحیحاً؛ لکون الفعل ذا مصلحة خالصة، فتصویر العنوان الآخر تبعیدٌ للمسافة بلا داعٍ یدعو إلیه.

و رابعاً: لازم ما أفاده أنّ التارک للصوم یکون آتیاً بأمرٍ مستحبّ و عبادة قهراً؛ من دون الالتفات إلی عنوان المأمور به، و هو کما تری.»[1]

توضیح:

۱. اولاً: اینکه مرحوم آخوند نهی را «طلب ترک» دانسته‌اند (و می‌گویند نهی از «صوم عاشورا» یعنی «طلب ترک صوم عاشورا» و این به آن جهت است که «ترک صوم عاشورا» دارای مصلحت است)، مبناءً باطل است چرا که نهی «زجر اعتباری» است.

۲. [ما می‌گوییم: این اشکال، علیرغم اینکه صحیح است، ولی به اصل سخن لطمه‌ای وارد نمی‌کند]

۳. ثانیاً: ارجاع «نهی از روزه عاشورا» به «طلب ترک عنوان آخر»، خلاف ظاهر است.

۴. [ما می‌گوییم: اولاً ظاهر لغت «ترک» در «طلب ترک عنوان آخر»، زائد است و مراد طلب عنوان آخر است و ثانیاً: مرحوم آخوند، به سبب اینکه ظواهر را خلاف حکم عقل و براهین مطرح شده می‌دانستند، به این خلاف ظاهر تن دادند]

۵. ثالثاً: برای اینکه بخواهیم «ترک صوم عاشورا» را مورد امر بدانیم لازم نیست به سراغ عنوان منطبق و یا عنوان ملازم برویم، چرا که نفس «ترک صوم عاشورا» می‌تواند دارای مصلحت و رجحان باشد و لذا هم فعل و هم ترک فعل، دارای مصلحت مخصوص به خود باشند.

---

۱ . لمحات الاصول، ص۲۳۷

۶. توجه شود که اینکه ترک یک فعل دارای مصلحت باشد به این معنی نیست که «فعل» دارای مفسده است (ومفسده هم ارجح است)

۷. البته اگر فعل دارای مفسده ارجح باشد، باید «فعل» باطل باشد ولی وقتی هم ترک و هم فعل دارای مصلحت هستند، عبد مخیّر بین هر دو است و اگر مصلحت ترک بیشتر است، ترک مقدم است [امر به ترک= زجر عن الفعل] ولی اگر کسی فعل را انجام داد، صحیح است.

۸. [ما می‌گوییم: ظاهراً «و الترک فیه مفسدة خالصة» تعبیر صحیحی نیست و باید عبارت چنین باشد: «و الترک فیه مصلحت خالصة».]

۹. رابعاً: لازمه سخن مرحوم آخوند آن است که «تارک صوم عاشورا» را باید کسی به حساب آوریم که کاری مستحب انجام داده است (بدون اینکه بداند و توجه داشته باشد که این کار را انجام داده است) و این باطل است.

۱۰. [ما می‌گوییم: اگر قصد قربت کند، چون استحباب تعبدی است، صدق این عنوان قابل قبول است]

ما می‌گوییم:

۱. عمده سخن مرحوم بروجردی، آن کلامی است که تحت اشکال سوم مطرح شده است این مطلب را تقریرات دیگر ایشان هم مطرح کرده است:

«سلمنا کون مفاد النهی عبارة عن طلب الترک، ولکن المتعلق للطلب (علی هذا) نفس الترک، ولا وجه لفرض عنوان منطبق علیه أو ملازم له حتی یکون هو المتعلق للطلب. (فان قلت): وجه فرضه ان الترک بنفسه امر عدمی فلا یتصور کونه مؤثرا فی المصلحة.

(قلت): العنوان المنطبق علی الترک أیضا امر عدمی، إذ لا یعقل انطباق عنوان وجودی علی امر عدمی.»[1]

۲. اما به نظر می‌رسد این سخن با مشکل مواجه است چرا که وقتی می‌گوییم یک شیء مصلحت دارد، معنایش آن است که شارع انجام و عدم انجام آن را با همه مصالح و مفاسد موجود در فعل و ترک آن، کسر و انکسار کرده است و جمع جبری آن، چنین شده است که بگوییم آن شیء مصلحت دارد. این سخن با این که بگوییم «عدم آن» هم مصلحت دارد، سازگار نیست.

«مربوط به صفحه ۲۸ قبل از اشکال امام بر کلام مرحوم آخوند»

ما می‌گوییم:

در فرض دوم وقتی امر استحبابی بالعرض و المجاز باشد در حقیقت آنچه مأموربه (استحبابی) است، عنوان «الف» است که مصداقی متفاوت با مصداق «ب» دارد و لذا امتناعی‌ها هم می‌توانند به امر فعلی مجازی قائل شوند. چرا که به سبب مجازی بودن امر، آنچه فی الواقع مأموربه است، عنوان ملازم است که مصداقی متغایر با مصداق امر وجوبی دارد.